

نگاه

کنایه محمود صادقی به مدافعان شفافیت آرای نمایندگان

● خبرآنلاین: نماینده تهران در مجلس دهم در توییتی نوشت: اگر آرای نمایندگان شفاف بود، آنها که ژست ضدبرجام بگیرند. محمود صادقی، در تویییت به مدافعان طرح شفافیت آرای نمایندگان کنایه زد. وی در توییت خود نوشت: شفافیت آرای نمایندگان، هم موجب پاسخ‌گویی و هم مانع دورویی می‌شود؛ اگر آرا شفاف بود آنها که در مجلس نهم برجام را تصویب کردند نمی‌توانستند ژست ضدبرجام بگیرند و آنها که ۴ سال بیایی لاریجانی را بر کرسی ریاست مجلس دهم نشان‌دند نمی‌توانستند او را به‌خاطر برجام ۲۰ دقیقه‌ای سرزنش کنند.

ادامه از صفحه اول

قسم و شهادت به‌عنوان دلیل
همچنین به استناد ماده ۱۳۰۸ قانون مدنی که هم در سال ۱۳۶۱ حذف شده، ادعای سقوط دین، اقاله، فسخ و امانالهم در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده؛ حتی اگر موضوع سند کمتر از ۵۰۰ ریال باشد، به شهادت قابل اثبات نبوده است؛ پس تا قبل از حذف این بند از قانون مدنی استناد به شهادت به‌عنوان دلیل در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده، به‌هیچ‌وجه حتی در فرض خواسته کمتر از ۵۰۰ریال امکان‌پذیر نبوده است. همچنین به استناد ماده ۱۳۰۹ قانون مدنی ادعای مخالف با مفاد یا مندرجات سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده، به شهادت شهود اثبات‌کردنی نیست؛ هرچند این مقرر در قانون اصلاحی سال ۱۳۷۰ حذف یا اصلاح نشده است؛ شوری نگهبان در سال ۱۳۶۷ با این استناد که این ماده شهادت به‌عنوان بینه شرعی را در برابر اسناد معتبر فاقد ارزش دانسته، خلاف موازین شرعی اعلام و ابطال کرد. صرف‌نظر از اختلاف‌نظرهای راجع به اختیار شورای نگهبان در ابطال قانون و اعتبار یا عدم اعتبار ماده ۱۳۰۹ به دلیل حذف‌کردن در قانون اصلاحی مصوب ۱۳۷۰ به نظر می‌رسد با حذف و ابطال مواد ۱۳۰۶ لغایت ۱۳۱۱ قانون مدنی در‌حال‌حاضر در نظام حقوقی ایران شهادت به‌عنوان دلیل یا اندک مسامحه و استثنائات جزئی ازجمله قوانین مربوط به ثبت و انتقال املاک دارای ارزش اثباتی عام بوده و برای اثبات هر ادعایی پذیرفتنی است و ماده ۵ لایحه قانون تجارت منشا اعتبار شهادت به‌عنوان دلیل نیست؛ بلکه قبل از آن وا سال ۱۳۶۱ و با اجرای آزمایشی قانون اصلاحی یادشده، شهادت به‌عنوان دلیل در برابر اسناد در نظام حقوقی ایران پذیرفته شده است و با وجود درستی اصل ایراد وارد شده و ارتباط اعتبار اسناد با نظم عمومی به‌ویژه در اسناد رسمی این امر منتسب به ماده ۵ لایحه قانون تجارت نیست. افزایش گستره قسم به‌عنوان دلیل در قانون اصلاحی قانون مدنی به دلیل مسائل شرعی و ایرادات شورای نگهبان بوده و نمی‌توان موارد یادشده در ماده ۵ لایحه قانون تجارت را ترجمه قوانین خارجی در نظر گرفت؛ چراکه بار اثباتی شهادت به‌عنوان دلیل در نظام حقوقی کشورهایی پیشرفته بسیار محدود و مختص دعای و مبلغ مشخص است.همان‌گونه که ذکر شد، ماده ۵ لایحه قانون تجارت از عبارت هر وسیله‌ای (دلیل) برای اثبات قرارداد بهره جسته است و این عبارت شامل قسم به‌عنوان دلیل در نظام حقوقی ایران نیز می‌شود. به استناد ماده ۱۳۲۵ قانون مدنی که هم‌زمان با مواد ۱۳۰۶ لغایت ۱۳۱۱ در سال ۱۳۱۴ تصویب شده، در دعای‌ای که به شهادت شهود اثبات‌پذیر است، قسم نیز به‌عنوان دلیل پذیرفته شده است. به عبارت دیگر دعای اثبات‌پذیر با قسم تا قبل از سال ۱۳۶۱ محدود به موارد مرقوم در بند قبل بوده؛ نه همه دعای و با وجود اصلاحات سال ۱۳۶۱ قانون مدنی و افزایش گستره دعای اثبات‌پذیر یا شهادت این ماده اصلاح نشده و در ظاهر خواست قانون‌گذار تفسری شمول دعای اثبات‌پذیر یا شهادت (پس از اصلاح) به قسم بوده است. این موضوع در ماده ۲۷۱ قانون آیین دادرسی مدنی نیز منعکس شده است. به استناد این مقرر همه دعای مالی و دیگر حقوق‌الناس از قبیل نکاح، طلاق و… را می‌توان به استناد قسم ثابت کرد؛ اما درباره استناد به قسم به‌عنوان دلیل محدودیت‌هایی در قانون لحاظ شده است. ازجمله توسل به قسم در صورتی امکان‌پذیر است که هیچ دلیلی از سوی اصحاب دعوا ارائه نشود. در دعوایی که مستند آن قسم است، ابتکار عمل در ید مدعی‌علیه است و با انکار و قسم‌خوردن او حکم با رد دعوا صادر می‌شود و در صورت نبود رابطه حقوقی فی‌مابین خوانده به‌راحتی توان رد ادعا را خواهد داشت. همچنین تقاضای قسم در صورتی امکان‌پذیر است که عمل موضوع دعوا منتسب به شخص طرف مقابل باشد و قسم قابل توکیل نیست و اگر شخصی به‌هردلیل به‌عنوان نماینده در دعوا حاضر باشد، استناد به قسم امکان‌پذیر نیست.

شرق: با انتشار احکام کارگران نیشکر هفت‌تپه که در پی اعتراض به عدم دریافت معوقات خود بازداشت شده بودند، موجی از انتقادات به مجازات‌های سنگین صادره شکل گرفت و بسیاری از مسئولان، نمایندگان مجلس و حتی رئیس قوه قضائیه نسبت به آن واکنش نشان دادند. آیت‌الله ابراهیم رئیسی با ورودی به‌موقع به مسئله، دستور داد در مورد «آرای صادره از سوی یکی از شعب دادگاه انقلاب در برخی از پرونده‌های اخیر به‌سرعت و تحت نظارت رئیس کل دادگستری تهران، تجدیدنظر و رسیدگی منصفانه» صورت گیرد.

سخنگوی دستگاه قضائی، غلامحسین اسماعیلی، نیز هفدهم شهریور در واکنش به آرای صادره و دستور رئیس قوه قضائیه توضیح داد: «رئیس قوه قضائیه بر شنیدن

صدای کارگران تاکید دارند و معتقدند به‌جای برخورد‌های شدید قضائی و امنیتی باید زخم را علاج و مشکلات کارگری و معیشتی را مرتفع کرد تا حتی اگر کسانی خواستند از این فضا برای اغراض آلوده خود سوءاستفاده کنند، زمینه سوءاستفاده برای آنها وجود نداشته باشد». اما سؤال مهم این است که چرا چنین آرای صادر می‌شوند که حتی صدای قاضی‌القضات را هم درمی‌آورد و خواستار رسیدگی منصفانه و سریع در محاکم تجدیدنظر می‌شود و شاید پاسخ این باشد که قضات مستقل هستند و حتی رئیس دستگاه قضا نمی‌تواند بر آرای قضات تأثیر بگذارد. اما آیا رئیس دستگاه قضا می‌تواند نظارت بر نحوه عملکرد قضات و سنجش آرای مربوطه با میزان عدالت و انصاف را از دستگاه تحت‌مدیریتش بخواهد یا خیر؟

توصیه رئیسی تذکر برای رعایت انصاف ودقت توسط قضات است

عبدالصمد خرمشاهی، وکیل دادگستری، در گفت‌وگو با «شرق» در پاسخ به این سؤال که آیا دستور تجدیدنظرخواهی در پرونده برخی محکومان دادگاه انقلاب که با احکام سنگین و عجیبی مواجه شده‌اند می‌تواند یک رویه قضائی در نظر گرفته نشود یا خیر؟ و اینکه معنای چنین دستوری چیست؟ توضیح داد: با توجه به متن منتشرشده معتقدم ایشان دستور نده‌اند و توصیه کرده‌اند. قطعا می‌دانیقضات در سیستم قضائی ما کاملا مستقل هستند و قاضی تحت‌تأثیر

انتقاد از نظام به معنی توهین نیست

نامه علی مطهری به رئیس دستگاه قضا

شرق: علی مطهری نماینده، تهران نامه‌ای سرگشاده به رئیس دستگاه قضا نوشته است. نامه‌ای که در واکنش به دستور آیت‌الله رئیسی برای بررسی مجدد برخی پرونده‌هاست و به نتیجه برخی احکام سنگین در گذشته پرداخته است. مطهری در این نامه تاکید کرده که «برای حفظ نظام از هر وسیله‌ای نمی‌شود استفاده کرد». در این نامه خطاب به رئیس قوه قضائیه آمده است: «دستور اخیرت‌ران درخصوص بررسی احکام صادرشده برای متهمان کارگری، نور امید را در دل‌ها نسبت به صدور احکام عادلانه و عادلانه و متناسب با جرم روشن کرد. خود بهتر می‌دانید که در بسیاری از موارد بدون توجه به میزان تأثیر جرم در جامعه و ضرورت مجازات، احکام سنگینی برای متهمان صادر می‌شود به طوری که عبرت‌گرفتن مجرم و دیگران است، تأمین نشده است. علت صدور این احکام، نوع بیش برخی بازجوها و قضات درباره حفظ نظام است که خیال می‌کنند با این احکام سنگین دیگران را می‌ترسانند و در نتیجه نظام حفظ می‌شود و حتی خیال می‌کنند محفوظ‌ماندن نظام تا امروز به دلیل این سخت‌گیری آنهاست، در حالی که سخت در اشتباهند زیرا رفتار این افراد به نظام آسیب زده است و محفوظ‌ماندن نظام جمهوری اسلامی ریشه در ایمان



جامعه قانع نمی‌شود و متهم یا مجرم در هاله‌ای از مظلومیت قرار می‌گیرد. این امر در متهمان سیاسی که متأسفانه آنها را متهمان امنیتی می‌نامند و در نتیجه مشمول قانون جرم سیاسی نمی‌شوند بی‌شمار قابل مشاهده است. مثلاً شخصی در یک جمع ۲۰نفری انتقادی به نظام یا توهین به مقامات عالی کشور می‌کند. بدون آنکه توجه شود که اساسا چند نفر شنیدند و چه تأثیری در جامعه داشته است، براساس مواد خشک قانونی مانند اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی یا تشویش اذهان عمومی که مواد کسدرای است و به‌راحتی می‌توان افراد را به آن متهم کرد او را محاکمه و به چندین سال زندان محکوم می‌کنند، در حالی که بسیاری از این موارد با یک تذکر یا چند کلمه نصیحت قابل متخومشدن است.»

در بخش دیگری از نامه مطهری چنین آمده: «مثال روشن آن قضیه قتل س‌تار بهشتی در باردارستانگاه نیروی اطلاعاتی است. او کارگری بود که به خاطر فقر خود و مادرش در ویلاگ شخصی خود

آیا دستور رئیس قوه قضائیه پس از صدور حکم تجدید نظر می‌تواند رویه قضائی تلقی شود؟

حساسیت قاضی‌القضات به پرونده‌های کارگری



مجله

مجله

مجله

همچ‌گونه توصیه، تهدید و اجباری رای نمی‌دهد و فقط بر اساس اراده و اختیار خود قضاوت می‌کند. از این بابت اگر حکمی هم صادر کند فقط مرجع بالاتر با اعتراض محکوم‌علیه یا وکیل وی امکان رسیدگی مجدد را دارد. با عنایت به استقلال قضات به نظر نمی‌رسد رئیس قوه قضائیه دستوری داده باشند، بلکه خواستار رعایت عدالت و انصاف در رسیدگی مجدد شده‌اند. جریان رسیدگی به پرونده کارگران نیشکر هفت‌تپه و صدور احکام سنگین تبعات اجتماعی گسترده‌ای در پی داشت و بازتاب منفی آن، طیف وسیعی از جامعه را درگیر خود کرد. ازاین‌رو آقای رئیسی به دنبال بازتاب منفی احکام سنگین این کارگران ضمن اینکه خطاب پیامشان به مرجع بالاتر قضائی بود، توصیه به درنظرگرفتن عدالت و انصاف کرد. این توصیه جنبه اجتماعی و سیاسی داشت نه قضائی، زیرا مراحل صدور حکم و تجدیدنظرخواهی یک سلسله‌مراتب مشخصی در آیین دادرسی کفیری دارد و مراجع بالاتر، چه از طرق عادی و چه از طرق فوق‌العاده نسبت به اعتراضات به احکام ورود پیدا می‌کنند.

خرمشاهی در پاسخ به این پرسش که در پیام ذکرشده درخواست تجدیدنظرخواهی زیر نظر رئیس کل دادگستری تهران مطرح شده، این به آن معنا نیست که دستوری ویژه صادر شده است؟ توضیح داد: در قانون ما موضوع دخالت رئیس کل دادگستری را نداریم. صرف‌نظر از انشای پیام که توصیه‌ای بوده یا

خود را دارد و در پرونده مفتوح چنین مسئله‌ای تا به امروز وجود نداشته و اکنون هم دستور آقای رئیسی ورای قانون نیست؛ بلکه توصیه‌ای است برای رعایت انصاف از سوی قضاتی که مستقل هستند و هیچ مرجع و مقامی نمی‌تواند بر رأی آنها تأثیر بگذارد.

در صدور احکام باید زمان سنجی در نظر گرفته شود

پروانه مافی با اشاره به اینکه احکام اخیر درباره فعالان کارگری اعتراض همه گروه‌های جامعه را به دنبال داشت، گفت: احکام قضائی در شرایط کنونی از حساسیت ویژه‌ای برخوردار بوده و اگر احکام براساس حق نباشد یا نادرست باشد، می‌تواند جامعه را متزلزل کند. بنده خوشحالم که آقای رئیسی به‌موقع به این موضوع ورود کردند. این عضو هیئت‌رئیس کمیسیون امور

داخلی کشور و شوراها در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به ضرورت لحاظ‌کردن شرایط حساس کنونی کشور در قضاوت قضات، بیان کرد: نقش قاضی در شرایط حساس کنونی جامعه بسیار مهم است؛ اینکه رویکرد قضات با درنظرگرفتن مسائل جامعه‌و رای صادره از آنها با توجه به شرایط اجتماعی باشد، بسیار حائز اهمیت است. او در ادامه اظهار کرد: رای‌هایی که از سوی قضات صادر می‌شود، باید از منظر عدالت دقیق و همه‌جانبه باشد، از سوی دیگر در شرایط کنونی توجه به مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه نیز باید در عملکرد قضات جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. او در ادامه با اشاره به وجود به‌موقع رئیس قوه قضائیه در احکام صادره درباره کارگران، بیان کرد: خوشبختانه رئیس دستگاه قضا به‌موقع به این موضوع وارد شدند و درباره آرای صادرشده دستور دادند به‌سرعت و تحت نظارت رئیس کل دادگستری تهران تجدیدنظر و رسیدگی منصفانه صورت گیرد. او در پایان گفت: ان‌شاءالله با دیگر بخش‌هایی که احکام قضائی صادر می‌شود، دقت و عدالت و زمان‌سنجی نیز در نظر گرفته شود.

براساس این گزارش و با توجه به اهمیت موضوع رخ‌داده و توجه ویژه قاضی‌القضات به پرونده‌های کارگری می‌توان امید داشت این دستور به‌عنوان رویه‌ای برای سنجش آرای قضات از نظر مطابقت با عدالت و انصاف در نظر گرفته شود.

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله

مجله